فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سـال چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۹۳
صفحات ۱۰۱ – ۱۲۰

تأثیر فتاوای جهاد با متفقین در مردم سیستان و بلوچستان دوره جنگ جهانی اول[۱]

عبـاس سـرافـرازی[۲]

چکیـده

اقوام ساکن در سیستان و بلوچستان در سال‌هایی که به جنگ جهانی اول انجامیـد، بـر اثر تبلیغات و کارهای متحدین و متفقین، به هواداری از آنان پرداختند. کارهای آلمانی‌ها و رهبران آزادی‌خواه ایرانی و فعال شدن حزب دموکرات در کرمان، در مردم سیسـتان و بلوچستان تأثیر می‌گذارد و با اینکه این دو ناحیه پیش‌تر نیز از حوادث ضد انگلیسی شبه قاره تأثیر پذیرفته بودند، حوادث عثمانی و هند بر ضد سلطه بیگانگـان در ایـران بی‌اثـر نبود و هم‌کیشی ایرانیان با عثمانیان، آنان را به پشتیبانی از آنان بر می‌انگیخت. تقسـیم ایران بر اساس قرار ۱۹۰۷، اسلام‌ستیزی غربیان و اندیشه اتحاد در جهان اسلام، شور و شوق فراوانی برای مبارزه پدید آورد. جنگ جهانی اول، واکنش و تحرکاتی میان علمای شیعه و اهل‌سنت برانگیخت. هر دو گروه فتاوای جهادی صادر کردنـد و بـر پایـه آنهـا، همه مسلمانان جهان را به جهاد فرا خواندند. شیعیان ناحیه سیستان بـه دنبـال فتـاوای جهادی علمای خود و اهل‌سنت بلوچستان به دنبال فتاوای جهادی علمای اهل‌سنت، به مبارزه با انگلیسی‌ها برخاستند. فتاوای جهادی در این مناطق چاپ و منتشر شـد و شـور مذهبی مردم شیعه و سنی منطقه را برانگیخت. انگلیسی‌ها و برخی از حاکمان محلـی و پیروان آنان، برای گرفتن فتاوا می‌کوشیدند. احساسات ضد انگلیسی مردم جنـوب شـرق ایران به دعوت علمای دینی، بر این دلالت می‌کند که مبارزه و جهاد با نیروهای بیگانـه در ایران به حرکتی ملّی ـ مذهبی بـدل شـد و برکنـار از مـذهب و قومیـت خـاص، بـه مقاومت در برابر بیگانگان پرداخت.

واژگان کلیدی

سیستان، بلوچستان، جنگ جهانی اول، فتاوای جهادی، متفقین، متحدین.

---

۱. تاریخ دریافت ۹۳/۲/۲۹، تاریخ پذیرش ۹۳/۵/۶.

۲. دانشیار دانشگاه مشهد، گروه تاریخ، مشهد، ایران. AB.SARAFRAZI@UM.AC.IR

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

طرح مسأله

جنگ جهانی اوّل در بسیاری از نقاط ایران، مردم را به صحنه کشـاند. مـردم نـواحی جنوب شرق ایران (سیسـتان و بلوچسـتان)، در مقاومـت در برابـر انگلیسـی‌ها، بسـیار تأثیرگذار بودند. انگلیسی‌ها به تجزیه و تقسیم این دو ایالت ایرانی در دوره ناصـرالدین شاه قاجار کمک کردند و مردم این نـواحی از دخالـت و حضـور آنـان در منطقه‌شـان، خشنود نبودند. هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اوّل، علما با صادر کردن فتـاوای جهـادی، مردم منطقه را بر متفقین و انگلیسی‌ها شوراندند و زمینه‌هایی را برای تحقق هـدف‌های آلمانی‌ها و عثمانیان فراهم کردند. مردم سیستان و بلوچستان بر اثر حرکت‌های مـذهبی هند و عثمانی و مراکز مذهبی شیعه مانند عتبات عالیات و ایران و بـا تأثیرپـذیری از آن فتاوای جهادی، منافع انگلیسی‌ها را تهدید کردند.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، تاریخی و بر پایه مدارک و اسناد اسـتوار اسـت. بـا بررسـی متون تاریخی بـا روی‌کـرد تـاریخ‌پژوهی جدیـد، داده‌هـای تـاریخی از منـابع و متـون استخراج شدند و پس از ارزیابی از آنها استفاده شده است. محقق در روش تاریخی بـا مشاهده نامستقیم و به پشتوانهٔ منابع و اسناد و مـدارک، بـه تجزیـه و تحلیـل واقعیـات می‌پردازد. از این‌رو، ابزار این پژوهش منابع اسناد و مدارک تـاریخی اسـت کـه بـدانها دسترس هست.

پرسش‌ها و فرضیّه‌های تحقیق

چه عواملی در برانگیختن مردم نواحی جنوب شرق ایران در ماجرای جنـگ جهـانی اوّل تأثیر گذاردند؟

تأثیری فتاوای جهادی علمای شیعه و سنی در برانگیختن مردم در برابر متفقین چه بود؟

مردم منطقه در برابر بیگانگان چگونه رفتار کردند؟

فرضیه‌ها

مسـائل دینـی و مـذهبی و ناخشـنودی‌های مـردم منطقـه جنـوب شـرق ایـران از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

انگلیسی‌ها، در برانگیختن آنان تأثیرگذار بود.

فتاوای جهادی علمای شیعه و سنی درباره متفقین، در مقاومت مردم تأثیر گذارد.

مردم منطقه با روی آوردن به شیوه‌های جنگ مسلحانه و مقاومت منفی، در برابر متفقین ایستادند.

هدف و ضرورت پژوهش

با توجه به روی‌دادهای سال‌های اخیر در پاکستان و شبه قاره هند یا روی‌دادهای کنونی در این کشورها و نقشه‌های استعماری که در پی اختلاف‌افکنی میان مسلمانانند و با توجه به اینکه استعمارگران می‌خواهند وفاق شیعیان و اهل‌سنت را در سوریه، لبنان و عراق از میان ببرند و طرح‌های خود را در این کشورها اجرا کنند، گمان می‌رود شبه قاره هند از جای‌هایی باشد که آنان در آینده به آن روی خواهند آورد و سیستان و بلوچستان ایران را نیز از این پدیده تأثیر خواهد پذیرفت. توجه به مسائل وحدت‌بخش تاریخی و نشان دادن دردهای مشترک همه مسلمانان، به افزایش وحدت مسلمانان در جهان اسلام می‌انجامد. دیدگاه‌های یک‌سان علمای شیعه و سنی درباره جنگ جهانی اول در برابر انگلیسی‌ها و کارهای مشترک مردمان جنوب شرق ایران در مبارزه با اشغال‌گران، پدیده مثبتی در راه‌برد (استراتژی) وحدت در اندیشه سیاسی اسلام به شمار می‌رود. توجه به تقویت اتحاد مسلمانان موجب از میان رفتن قومیّت‌گرایی و تعصبات قومی و نژادی و بی‌اعتنایی به اختلافات مذهبی و مسلکی خواهد شد. وحدت عملی مردم جنوب شرق ایران در آن زمان در برابر بیگانگان، زمینه‌ای برای پیدایی وحدت اسلامی فراهم می‌کند.

مقدمه

مداخلات بیگانگان در ایران، هند و عثمانی دوران پیش از جنگ اول جهانی، به واکنش‌هایی در این کشورها انجامید که پی‌آمد آنها، از سطح سیاسی ـ تبلیغی به سطح عمل کشیده و موجب صدور فتاوای جهادیه در عثمانی، ایران و هند شد. انگلیسی‌ها از سال‌ها پیش از جنگ اول جهانی در قالب استعماری گسترده‌ای، در هندوستان حاضر بودند. هم‌چنین روسیه و انگلستان در ۱۹۰۷ میلادی (۱۳۲۵ ق)، ایران را به دو منطقه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

متأثر از نفوذ خود تقسیم کردند و در قالب نظامی، مستقیم در ایران حاضر بودنـد. ایـن حضور افزون بر اینکه نیروهای سیاسی را به مبارزه با بیگانگان درگیـر کـرد، نیروهـای مذهبی و علمای شیعه و سنی را مبارزات سیاسی و عملی با بیگانگان واداشت.

از دید مذهبی، سه مرکز مهم جهان اسلام در آن زمان در حرکت های ضد انگلیسـی و ضد سلطه بیگانگان در جنوب شرق ایران تأثیر گذاشتند: کشـورهای عثمـانی، هنـد و مراکز مذهبی شیعه در عتبات عالیات و ایران. مردم ایـن مراکـز بـیش از سـاکنان دیگـر جای‌ها در این زمینه تأثیرگذار بودند و بر اثر مواجهه‌شان با بیگانگان و فزونـی دخالـت خارجیان در سرزمینشان، در برابر مستعمران شدیدتر رفتار می‌کردند. جنوب شرق ایران از بخش‌هایی بود که ساکنانش بر اثر فتاوای جهادی علمای شیعه و سنی (در سیستان بر اثر فتاوای علمای شیعی، در بلوچستان و عثمانی و هندوستان بر اثر فتاوای اهل‌سـنت)، به واکنش‌های نظامی سختی در برابر انگلیسی‌ها دست زدند.

طرح فرستادن نمایندگان آلمانی و تُرک را به ایران و افغانستان و مرزهـای شـمالی و غربی هند، نخستین بار انور پاشا وزیر جنگ امپراطوری عثمانی و سیاست‌مدار معـروف و بانفوذ ترک، پیش‌نهاد کرد (مورخ الدوله، ۱۳۳۶: ۵۸). مقام‌های ارشد آلمانی طرح انور پاشا را تأیید و برنامه‌ریزی کردند که با طرح فریضه اسلامی جهـاد و بـه دسـت آوردن توافق علمای اهل‌سنت همچون شیخ الاسلام عثمانی و رهبـران شـیعه ایـران و عتبـات عالیات، افزون بر تحریک مسلمانان ایرانـی و هنـدی، حبیـب الله خـان امیـر افغانسـتان بـا آنـان هم‌سـو شـود و پـس از آغـاز شـورش و نـاامنی در مرزهـای جنـوب شـرقی ایران همچون سیستان و بلوچستان و ایالت‌های شمالی و غربی هند، نیروهـای مشـترک ترک، آلمانی، افغان و بلوچ به رهبری امیر افغانستان به هند حمله کنند و زمینه شکست بریتانیا را در مستعمره هنـد فـراهم آورنَـد. ایـن کـار بـا بـرانگیختن مـردم سیسـتانی و بلوچ (جنوب شـرق ایـران) و بـا اسـتفاده از احساسـات مـذهبی و گسـترش فتواهـای جهاد، صورت می‌پذیرفت. بنابراین، «هیئت‌هایی از جمله چند افسر آلمانی همـراه ایـن گروه‌ها به ایران اعزام شدند تا از طریق سیستان و بلوچستان گذر نمایند) (نظـام مـافی، ۱۳۶۳: ۱۸۲).

آلمانی‌ها از گرایش‌های مذهبی گسترده رایج در جامعه ایران آگاه بودنـد. از ایـن‌رو،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

تصمیم گرفتند از آن به نیکی بهره ببرند و اسلام آوردن قیصر آلمان را مطـرح کردنـد و می‌خواستند با انتشار فتاوای علمای شیعی و سنی در سراسر ایران درباره متفقین، جهـاد یا جنگی مقدس بر ضد متفقین راه بیاندازند. آلمانی‌هـا در دشـمنی و آسیب‌رسـانی بـه اسلام و مردم ایران پیشینه‌ای نداشتند و از این‌رو، مردم به آنان اعتماد کردند.

پیشینه جهاد و دعوت اسلامی هند و تأثیرش در ایران

جهاد و دعوت اسلامی در هندوستان از قرن هجدهم آغاز شد؛ هنگامی که شاه ولـی الله از علمای مسلمان هند، به احمد شاه ابدالی نامه نوشت و از او خواست برای اجرای فریضه جهاد به هند یورش ببرد و مسلمانان را از دست کفار برهاند (شیال، ۱۳۸۳: ۶۰). فرزند وی شاه عبد العزیز نیز فتوایی درباره «دار الحرب» بودن سرزمین هند صادر کـرد و با این کار از ۱۸۰۳ میلادی، نهضت اسلامی هند را بنیاد گذارد.

مبارز الدوله در حیدرآباد حرکت جهادی سازمان یافته‌ای در برابر بریتانیا پدیـد آورد (۱۸۳۹ م) و به جهاد با نیروهای انگلیسی پرداخت، اما بر اثـر نفـوذ دسـتگاه اطلاعـاتی بریتانیا در سند، پس از زمانی دست‌گیر و اعدام شـد (Imperial Gazetteer, ۱۹۰۹, p۱۷). نیروهای مسلمان هندی از ۱۸۵۲ تا ۱۸۶۳، به انگلیسی‌ها بسیار آسیب رسـاندند، امـا بـا لشکرکشی گسترده انگلیسی‌ها بـه منـاطق بـاریلی و بـالاکوت، شـورش‌های مسـلمانان سرکوب شد (H.L.Neill, ۱۹۲۲, p۲۵). دشمنان هند و عثمانی و جهـان اسـلام مشـترک بودند. از این‌رو، هنـدی‌ها امیـد داشـتند کـه بـه کمـک امپراطـوری عثمـانی از سـلطه استعمارگران رهایی یابند؛ چنان‌که مسلمانان بنیـادگرای هنـد در دهـه ۱۸۴۰، بـه دنبـال حرکت شاه ولی الله، پیرو دعوی خلافت سلطان عثمانی بودند و نـوه شـاه ولـی الله بـه نام شاه محمد اسحاق به حجاز هجرت (۱۸۴۱ م) و از سیاست‌ها و روش‌های سیاسـی عثمانیان پشتیبانی کرد (Aziz Ahmad, ۱۹۶۷ , p۱۲۳). این حرکـت شـاه محمـد اسـحاق موجب شد که علمای پیرو مکتب شاه ولـی الله و مـدارس دیوبنـد و نـدوة العلمـا در هند، ادعای خلافت عثمانی‌ها را تلویحی بپذیرند. دعـوی خلافـت عثمانی‌هـا در آغـاز نامی بیش نبود، اما نفوذ معنوی آنان در مسلمانان دیگـر سـرزمین‌ها ماننـد هنـد فزونـی گرفت؛ چنان‌که در فرآیند قیام مردم هنـد (۱۸۵۷ م)، بـا بهره‌گیـری از جایگـاه مـذهبی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

خلیفه عثمانی نزد مسلمانان، به دنبال کاهش ضدیت با انگلیسی‌ها از طریق نصیحت و دعوت بود.

مسلمانان هندی در انقلاب ۱۸۵۷ هندوستان بسیار تأثیرگذار بودند و به‌رغم اینکه این حرکت را سربازان هندو آغاز کردند، مسلمانان با دامن زدن به ناآرامی‌ها، خود در مرکز انقلاب قرار گرفتند و به همین سبب بیشتر محققان انگلیسی در آن زمان از واژه مسلمان با عنوان متمرد و یاغی یاد می‌کردند؛ زیرا مسلمانان، جنبش را به عاملی برای سرنگونی سلطه بریتانیا بر هند بدل کردند و خود آن را راه می‌بردند (Thomas .R . Metcalf, ۱۹٦٥, p۲۹۸).

مبارزه مسلمانان هند با بریتانیا، در کشورهای مهم اسلامی همچون ایران و عثمانی نیز تأثیر گذارد؛ چنان‌که تاجران، مسافران هندی و دانش‌آموختگان مدارس دینی شبه قاره مانند مدارس دیوبند، پیام این مبارزه را به مناطق مجاور هند می‌رساندند و رهبران و اندیشه‌ورزان مسلمان آن روزگار در ایران و عثمانی همچون سید جمال الدین اسدآبادی و سلطان عبدالحمید، اندیشه «پان اسلامیستی» خود را به مسلمانان هند و مرزهای آن می‌رساندند. پس از گسترش فتاوی اسلامی درباره دار الحرب خواندن سرزمین هند و واجب شدن جهاد با فرنگیان به‌ویژه بریتانیا، مسلمانان هندی دسته دسته به سوی ایالت‌های شمالی و غربی هند و مرزهای آن‌جا سرازیر می‌شدند تا در قالب جهاد اسلامی، با بریتانیا بجنگند.

مسلمانان از این زمان بریتانیا را بدترین دشمن خود می‌دانستند؛ چنان‌که امپراطوری بریتانیا نیز آنان را بدترین دشمنش در شبه قاره می‌شمرد. افزون بر این، تبلیغات علمای مذهبی و هجرت مجاهدان مسلمان هندی به سوی مرزهای شمالی و غربی هندوستان، اندک اندک این دشمنی را به مناطق هم‌سایه آن‌جا؛ یعنی بلوچستان و افغانستان کشاند. پیشینه‌ای از دشمنی با انگلیسی‌ها در مناطقی همچون بلوچستان و افغانستان بر اثر لشکرکشی‌های بریتانیا و دخالت‌هایش در آن سامان رخ می‌نمود، اما بر اثر تبلیغات مسلمانان هندی، مبارزات بلوچ‌ها و افغانان با بریتانیا، از انگیزه‌های مذهبی برخوردار شد.

با شکست قیام هندی‌ها در انقلاب ۱۸۵۷، چند تن از بقیة السیف انقلابیان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

مسلمان همچون مولانا محمد قاسم نانوتوی و مولانا رشید احمد گنگوزهی، در دیوبند (نزدیکی دهلی)، مدرسه‌ای را بنیاد گذاردند (۱۸۶۷ م/۱۲۸۴ق) که در آینده در اندیشه‌های مسلمانان منطقه تأثیر گذارد. این مدرسهٔ شبانه‌روزی که «دارالعلوم دیوبند» نام گرفت، بر پایه بیزاری از حکومت بریتانیا استوار شد و شمار فراوانی از طالبان علوم دینی نه تنها از ایالت‌های شمالی و غربی هند که از مناطقی دوردست همچون پنجاب، بنگال و حتی افغانستان، ایران و آسیای میانه، برای علم‌آموزی راهی آن می‌شدند.

پس از اینکه تبلیغات ضد انگلیسی رهبران مدارس دیوبند از هندوستان تا مرزهای شمالی و غربی‌اش (افغانستان و بلوچستان) گسترده شد و قیام‌های فراوانی بر ضد انگلستان صورت پذیرفت، کسی از رهبران مسلمان هند به نام محمودالحسن دیوبندی معروف به «شیخ الهند» در برابر بریتانیا ایستاد و در قال جهاد با استعمار، حرکت کرد. او می‌خواست با شکست دادن و اخراج انگلیسی‌ها، حکومتی اسلامی بنیاد گذارَد و زمام کار مسلمانان هند را به دست خودشان بسپارد. انجمن «ثمرة التربیه» به فرمان شیخ الهند برای سازمان‌دهی دانش‌آموختگان دار العلوم دیوبند و رسیدن به هدف اصلی این تشکیلات؛ یعنی مبارزه مؤثر با انگلستان، تاسیس شد (۱۸۷۷ م). علمایی را که به مناطق خویش در بلوچستان، افغانستان و دیگر کشورهای اسلامی باز می‌گشتند، بنابر آموزه‌های این انجمن، به ضد تبلیغ درباره بریتانیا و دعوت مردم مسلمان آن مناطق به جهاد با آن، می‌پرداختند (منصورپوری، ۱۳۷۴: ۱۱).

بنابراین، رهبران مذهبی مسلمانان منطقه به‌ویژه علمای مذهبی قبایل بلوچ که «مولوی» نامیده می‌شدند، کارهایی را در زمینه تبلیغات جهادی و دعوت سرداران قبایل بلوچ برای مبارزه با انگلیسی‌ها (به گفته مُلاها کافر)، سامان دادند. با ورود نخستین دسته از مُلاهای دیوبند به بلوچستان ایران هم‌زمان با دوران ضعف حکومت قاجار و سال‌های آغازین انقلاب مشروطه، پیوند نزدیکی میان حرکت‌های اسلامی هند و قیام مسلحانه سران قبایل بلوچ در برابر بریتانیا برقرار شد.

تأثیر جنبش خلافت هند و فتاوای علمای سنی در مردم سیستان و بلوچستان

برخی از مسلمانان در شبه قاره هند پیرو جنبش علمای دیوبند و ندوة العلما شدند و رهبران آنان از مکتب اتحاد اسلامی سید جمال تأثیر پذیرفتند که علمایی مانند شیخ

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

عبدالقادر دهیانوی، مولانا رشید احمد و مولانا محمود حسن در جبهه آنان بودند. بیشتر رهبران فکری ـ سیاسی هندوستان در دهه‌های آخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، در علیگره چیز آموخته بودند (عزیز احمد، ۱۳۶۸: ۸۹). رشد جریان مکتب اصلاحی و اتحاد اسلامی از سید جمال آغاز شد و مولانا محمود الحسن (۱۲۶۷– ۱۳۶۰)، رهبر دومین نسل استادان دیوبند کوشید که از طریق تبادل استاد، شکاف دیوبند و دانشگاه اسلامی نوگرای علیگره را پُر کند. ارتباط‌هایی در این زمان با نواحی دیگر همچون آسیای مرکزی و ایران و افغانستان برقرار شد. کسانی برای تحصیل به هند رفتند و مدارسی در شمال غرب هند پدید آمد.

رهبرانی از اهل‌سنت بلوچستان مانند مولوی عبدالله سربازی در سال‌هایی که به جنگ اول جهانی انجامید، در ناحیه مکران و ملا ملکشاه کنگوزهی در سرحد، از مشاوران نزدیک سرداران بلوچ سرحدی و طوایف دامنی مانند جنیدخان (جیهندخان)، خلیل خان گمشادزهی بودند (کرد، ۱۳۸۶: ۲۲۸). اینان از رهبران اصلی بلوچ به شمار می‌رفتند که در سال‌های نخست جنگ جهانی اول با انگلیسی‌ها و ژنرال‌های انگلیسی به‌ویژه ژنرال دایر درگیر شدند و به انگلیسی‌ها در مرزهای بلوچستان آسیب رساندند. ژنرال دایر آنان را «مهاجمان سرحد» نامید، اما آنان را باید «مدافعان سرحد» نامید (دایر، ۱۳۷۸: ۶۷). افزون بر این، شماری از مولوی‌ها مانند دُر محمد که مشاور جمعه‌خان اسماعیل زهی بود، مولوی شاه محمد محمدانی، قاضی خیر محمد حسن زهی و دیگر مولوی‌ها (زند مقدم، ۱۳۷۱: ۱۹۴)، از علمای منطقه دزداب (زاهدان) و رهبران مذهبی قبایل اسماعیل زهی به آنان کمک می‌کردند. مقامات بریتانیایی از رشد و گسترش پان اسلامیسم و کارهای گسترده ضد انگلیسی علمای دیوبند در بلوچستان آگاه شدند و به قلع و قمع و دست‌گیری بسیاری از این رهبران دینی و قطع ارتباط آنان با مراکز حساسی همچون هند، افغانستان و عثمانی فرمان دادند(Kohn Hans, ۱۹۲۹, p٥٤)، اما آتش نهضت مذهبی مردم بلوچستان در برابر انگلیسی‌ها، خاموش نشد و حتی برخی از رهبران مذهبی بلوچستان ایران مانند مولوی عبدالله، به نجس بودن انگلیسی‌ها فتوا داد و گفت: انگلیسی‌ها کافرند، خوک می‌خورند، نجسند، هرمسلمانی که کمک کند به انگلیسی‌ها، کافر می‌شود (زند مقدم، ۱۳۷۱: ۴۳۵). رنجش مسلمانان هندوستان و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

کشورهای هم‌سایه در مرزهای شمالی و غربی آن سرزمین از مسیحیان به‌ویژه بریتانیا افزایش می‌یافت و با حمله ایتالیا به لیبی، اعلام قیمومیت فرانسه درباره مراکش و جنگ بالکان افزون بر قرارداد ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس در زمینه تقسیم ایران و بمب‌افکنی روس‌ها به مشهد، تشدید شد و بر اثر تبلیغات علمای دینی، به بیزاری و دشمنی سختی بدل گردید و زمینه را برای ناخرسندی و انگیزش گرایش‌های ضد غربی مسلمانان فراهم کرد (هاردی، ۱۳۶۹: ۲۴۵).

ابوالکلام آزاد از مسلمانان معروف هند با دعوت از همه مسلمانان جهان به پشتیبانی از ترک‌ها اعلام کرد که دشمن عثمانی دشمن اسلام است (همان، ۳۴۵). ضدیت با بریتانیا در ایران (مناطق شیعه و سنی‌نشین) نیز بسیار افزایش یافته بود. علمای دیوبند با گسترش کارهای ضد انگلیسی خود در بلوچستان، کسان بسیاری را از سرداران با نفوذ بلوچ همچون بهرام خان بارانزایی و برکت‌خان جاسکی به سوی خویش کشانده بودند (G .Bayliss, ۱۹۱٤, p۱٤٦).

از سوی دیگر، گزارش این حرکت تهدیدآمیز با شعارهای اسلامی، زمانی پیش از جنگ جهانی اول در روزنامه روسی «نویه ورمیا» بازتابیده بود. این روزنامه این حرکت را تهدیدی بزرگ خوانده و نوشته بود: کمیته ژن تورک (ترک‌های جوان) چندی است که برای استیلای نفوذ دولت عثمانی بر تمام ملل مسلمان اقدام می‌کند و نماینده کمیته مزبور به نام احمد ضیاء بیک به ایران آمده و در چند نقطه سخن‌رانی‌های مفصل نموده که اسباب این شده مردم پاره‌ای از این نقاط صلح‌نامه‌های راجع به اتحاد و اتفاق با مسلمانان عثمانی را امضاء نمایند (دوم مارس ۱۹۱۱) (ترکمان، ۴۷۴).

اعلام جهاد و فتاوی علمای عثمانی و اوضاع بد ایران که با عقد قرارداد ۱۹۰۷میلادی میان روسیه و انگلیس همواره زمینه تجاوز این دو کشور را به ایران فراهم می‌کرد، علمای بسیاری را در ایران، کربلا، نجف و دیگر مناطق سنی و شیعه‌نشین منطقه از سال‌های آغازین تبلیغات پان اسلامیستی عثمانی به سوی جنبش‌های ضد انگلیسی کشاند و در زمان کوتاهی واکنش‌های شایسته‌ای به این دعوت‌ها صورت پذیرفت و پاسخ‌های مثبت بسیاری به این دعوت صورت می‌پذیرفت. دولت وابسته ایران، هر فتوایی را درباره جهاد با گسیل داشتن عوامل خودش و بر اثر فشار دولت‌های

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

روسیه و انگلیس، رد می‌کرد و سیاست مذهبی خود را از تصمیمات علمای عثمانی و بین النهرین مستقل می‌دانست.

صوفی آمبا پراساد، از رهبران حزب ملی‌گرای قدر هندوستان و با دموکرات‌های متمایل به آلمان‌ها و ضد متفقین و عوامل آلمانی متحد با آنان در ایران، بسیار نزدیک بود. او زمانی در جایگاه دست‌یار واسموس آلمانی در بوشهر، به کارهای ضد انگلیسی می‌پرداخت و از پیروان اندیشه‌های دیوبندی بود که در ایران به کارهای گسترده تبلیغاتی در کرانه‌های مکران (بلوچستان) می‌پرداخت و به سرداران بلوچ همچون بهرام‌خان بارانزایی بسیار نزدیک بود (Asghar, S .B, ۲۰۰۷, p٤٩; Sir percy Sykes, ۱۹۲۱ p۱۰۱).

اتحادیه‌ای استوار و رابطه‌ای نزدیک میان سرداران بلوچ، رهبران آزادی‌خواه و دموکرات ایرانی به‌ویژه در کرمان و نیروهای حزب قدر، عوامل آلمانی و عثمانی و رهبران حزب هندی قدر و عثمانی و رهبران دیوبندی در این زمان در جنوب شرق ایران پدید آمده بود که به نخستین ایستادگی رسمی بهرام‌خان بارانزهی از برجسته‌ترین سرداران بلوچ ایرانی در برابر انگلیسی‌ها انجامید و با اعلام رسمی او درباره استقلال و ناوابستگی‌اش به انگلیس و باطل خواندن همه قراردادهای اجباری بریتانیا، یورش‌های گسترده‌ای را به قلمرو بریتانیا در مرزهای بلوچستان یا مکران (بلوچستان انگلیس) آغاز کرد (Jaspal sing, ۲۰۰۷, p۲٤۷). به گزارش محرمانه کسی از کارگزاران سیاسی بریتانیا که زمانی این مناطق را برمی‌رسیده است، مسلمانان ساکن ایالت‌های شمال غربی هند و مرزهای آن‌جا (شرق بنگال، افغانستان و بلوچستان) از تبلیغات عثمانی و پان اسلامیسم سخت تأثیر پذیرفتند و بنابر شواهد، به انگیزه هم‌دردی با عثمانی یورش‌های فراوانی را به بریتانیا در این مناطق سامان دادند (valentile chirol, ۱۹۰٦, P۱۲). مدارک بسیاری درباره هم‌کاری گروه‌های مسلمان و مبارز هندی با سران قبایل بلوچ در بلوچستان و نوار ساحلی مکران در قلمرو ایران به‌ویژه مناطق کرانه‌ای گوادر در دست است و افزون بر قیام قبایل کروانی در چابهار و جاسک، کسی از رهبران مبارز و حزب قدر هند به نام صوفی آمبا در این مناطق فعال بود. از سوی دیگر، وی روابط نزدیکی با عوامل عثمانی آلمان و آزادی‌خواهان دموکرات ایرانی داشت و بارها در مناطق ساحلی بلوچستان ایران، بین النهرین بوشهر و عثمانی آمد و شد می‌کرد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

(asghar, S,B , ۲۰۰۷, P۵۷).

دعوت رسمی شیخ الاسلام عثمانی از مسلمانان سراسر ممالک اسلامی برای پیوستن به جهاد در برابر غربیان، امپراطوری بریتانیا را در این منطقه سخت تهدید می‌کرد؛ چنان‌که بسیاری از مسلمانان متعصب ساکن مرزهای هندوستان در آرزوی برگرفتن سلاح و جهاد با انگلیسی‌های کافر بودند (T.E.Lawrence, P.٤٩).

تأثیر فتواهای جهادی علمای شیعی در مردمان جنوب شرق ایران

روی‌دادهایی که در سرزمین‌های عثمانی و هندوستان بر ضد سلطه بیگانگان به‌ویژه انگلیسی‌ها شکل می‌گرفت، در ایرانیان نیز تأثیر می‌گذارد. ایرانیان از مداخلات گذشته روسیه و انگلیس در کارهای داخلی کشورشان رنجیده و از آنان برگشته و به آلمان‌ها گراییده بودند. هم‌کیش ایرانیان با عثمانیان، آنان را به پشتیبانی از عثمانیان برمی‌انگیخت. حرکت‌های ضد متفقین در ایران مانند حمله ایتالیا به لیبی و اشتغال آن سرزمین (۱۹۱۱ م)، جنگ‌های بالکان بر ضد عثمانی (۱۹۱۲ و ۱۹۱۳) و حتی اشغال‌گری نظامی روسیه و انگلیس در ایران و به توپ زدن روس‌ها به حرم امام رضا (ع) و جنگ جهانی اول و رویایی متفقین با عثمانی، در این زمینه بی‌تأثیر نبود.

پیش از آغاز جنگ اول جهانی، حرکت‌های اصلاحی شیعی فراوانی در ایران پیدا شد. همه این انقلاب‌ها به رهبری روحانیان شیعی صورت می‌پذیرفت. جنبش تنباکو به فتوای علمای شیعی پدید آمد و انقلاب ضد انگلیسی عراق را علمای شیعه عراق به‌ویژه مجتهد جلیل القدر آقا میرزا محمدتقی شیرازی رهبری کردند (صاحبی، ۱۳۷۰: ۱۸۲). تنها دکتر عبدالهادی حائری از نویسندگان معاصر گفته است: اعلام فتوای جهاد علمای شیعی بیشتر بدین سبب منسوب بود که نیروهای نظامی دولتی نامسلمان (بریتانیا)، کشور مسلمان‌نشین عراق را تصرف کرده بود. بنابراین، علما خود را از دید مذهبی موظف می‌دیدند که در برابر کافران برخیزند. هدف آنان این بود که با هم‌کاری گروه‌های دیگر عراقی مانند قبایل، ملیون، سنی‌ها و شیعه‌ها، حکومت ملی عربی مستقلی در عراق پدید آورَند (حائری، ۱۳۶۴: ۱۶۸ به نقل از Amal Vinogradov, ۱۹۷۲, p۱۲۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

احساسات پشتیبانی از متحدین در مطبوعات آن زمان، بسیار باز می‌تافت. کمابیش همه روزنامه‌ها از متحدین پشتیبانی می‌کردند. تنها روزنامه‌های «رعد» و «عصر جدید» پشتیبان متفقین بودند. کانون‌های ملی وابسته به حزب دموکرات در شهرهایی مانند شیراز، اصفهان، کرمان پدید آمد. دموکرات‌ها به پشتیبانی از آلمانی‌ها پرداختند و این موجب شد که ژنرال باراتف روسی با سپاهی به ایران حمله کند. پس از حمله نظامی روس‌ها، سفر مهاجرت صورت پذیرفت و سران «کمیته دفاع ملی» را در قم تأسیس کردند و سرانجام سران مهاجر «حکومت موقت ملی» را در کرمانشاه پدید آوردند که برخی از رهبران مذهبی مانند سید حسن مدرس از حامیان همین حکومت موقت بودند. حتی مدرس وزارت عدلیه و اوقاف آن حکومت را بر عهده داشت. هنگامی که قوای عثمانی با انگلیسی‌ها در بین النهرین می‌جنگید، مهاجران ایرانی همراه با قوای عثمانی عقب نشستند و تا دو سال به عثمانی سفر کردند. مدرس روحانی مهاجران ایرانی بود که با سلطان محمد پنجم عثمانی در قصر «دلمه باغچه» دیدار و گفت‌وگو کرد. وی هم‌چنین به دیدار سعید حلیم پاشا و طلعت پاشا وزیر کشور رفت که پس از مدتی صدر اعظم شد (مکی، ۱۳۶۳: ۱ /۴۳۹).

عراق بخشی از عثمانی و مناطق محترَم نزد شیعیان به شمار می‌رفت. مراجع ایرانی مقیم عراق از آغاز جنگ جهانی به کارهای های سیاسی ـ تبلیغی و جهادی می‌پرداختند. شمار فراوانی از علما مانند حجج اسلام و آیات عظام، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، سید محمود و سید مصطفی کاشانی و فرزندش سید ابوالقاسم کاشانی، سید محمدتقی خوانساری، میرزا محمدتقی شیرازی و دو فرزندش، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمدحسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا مهدی آیت‌الله‌زاده خراسانی، سید اسماعیل یزدی، شیخ جواد فرزند صاحب جواهر، بحرالعلوم زاده، میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی و شماری از علمای عرب شیعی که بیشتر اهل عراق بودند، هم‌گام و همراه با علمای ایرانی و اهل‌سنت، به دست‌درازی‌های بیگانگان به ممالک اسلامی، سخت پاسخ دادند (صالحی، ۱۳۸۰: ۲۰۱). واکنش بیشتر علما به جنگ و مداخلات بیگانگان در ایران، بسیار شدید بود و فتاوای جهادیه‌ای صادر شد که بس درنگ‌کردنی است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

این فتواها، همه مسلمان جهان را به جهاد فراخواندند و اعلامیه‌ای در همین زمینه به امضای شیخ الاسلام دولت عثمانی و ۲۸ تن از دیگر رهبران مذهبی صادر شد (۲۳ نوامبر ۱۹۱۴) (George Antonious, ۱۹٦٦, p۱٤۱). گروهی از محققان فتاوای جهادیه علمای شیعی را پیرو فتوای شیخ الاسلام استانبول «خیری افندی» می‌دانند که در پاسخ به چند استفتا، جهاد را بر همه مسلمانان جهان و مسلمانان درگیر به سیطره حکومت‌های بریتانیا، فرانسه و روسیه، واجب عینی اسلام دانسته بود. این فتوا همه مسلمانان جهان را به جهاد فرامی‌خواند. یحیی دولت‌آبادی و هوشنگ مهدوی و پیتر آوری انگلیسی معتقدند فتوای علمای شیعی از فتاوای علمای عثمانی تأثیر پذیرفت. یحیی دولت‌آبادی نوشته است:

> دولت عثمانی داخل جنگ شد و بر ضد روسیه و انگلیس و فرانسه قیام کرد و از مرکز خلافت عثمانی حکم به جهاد مقدس صادر گشت و روحانیون شیعه مذهب مخصوصاً مجاورین عتبات عالیات هم از آنها پیروی کرده حکم جهاد دادند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۸۲).

هوشنگ مهدوی از نویسندگان متأخر می‌نویسد:

> در بدو شروع جنگ جهانی شیخ الاسلام عثمانی فتوای جهاد بر ضد انگلیس و فرانسه و روسیه را صادر کرد. این فتوا مورد تأیید مجتهدین کربلا و نجف قرار گرفت و از دولت ایران خواستند در کنار عثمانی در جنگ شرکت کند، اما دولت ایران به آن ترتیب اثری نداد و ترجیح داد بی‌طرف بماند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۳۴۳).

کسانی بر این باورند که فتوای جهاد علمای شیعه ایرانی مقیم عراق، تنها بر اثر آغاز جنگ جهانی پدید نیامد، بلکه علما چند سال پیش از جنگ جهانی نیز هنگام اشغال‌گری روسیه و انگلیس در ایران و اشغال‌گری ایتالیا در لیبی، فتاوای جهادیه بسیاری در وجوب دفاع و جهاد با متجاوزان، به ممالک اسلامی فرستاده بودند. آخوند خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و شیخ الشریعه اصفهانی، از علمایی بودند که در این زمینه، فتواهای جهادیه فراوان نوشتند (صالحی، همان: ۲۰۵). پس از صدور فتاوای جهادی علمای عتبات، سفارت‌خانه‌های روسیه و انگلیس به دولت ایران فشار آوردند تا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

انتشار اخبار جهـاد و فتوحـات عثمـانی را در روزنامـه‌های ایـران ممنـوع کنـد. بیشـتر علما و مراجع شیعی، کمابیش در همه فتاوی جهادیـه خـود، هجـوم دولت‌هـای متفـق را به کشورهای اسلامی، نابودی اسـتقلال و از میـان رفـتن «تمامیـت ارضـی» ممالـک اسلامی تعبیر کرده و «حفظ بیضه اسلام» را قـرین و تـوآم بـا حراسـت ثغـور مسـلمین دانسته‌اند. برای نمونه، در فتوای سید محمدکاظم طباطبایی آمده است: «واجب است بـر عشایر و قاطنین ثغور و عموم مسلمین متمکنین اگر در حدود مَن به الکفایه نباشد،حفظ حدود خود و دفاع از بیضه اسلام به مقدار قدرت خود بنماینـد (صـالحی و کاووسـی، ۱۳۷۵: ۶۴).

افزون بر بلوچ‌ها در ناحیه سیستان (جنوب شرق ایران)، شیعیان ایـن منطقـه بـر اثـر فتاوای علمـای شـیعی و تبلیغـات ضـد انگلیسـی آلمانی‌هـا بـه مبـارزه بـا انگلیسـی‌ها برخاستند. آلمانی‌ها نیز روش‌های تازه‌ای را برای نفوذ در منطقه راه‌بردی (اسـتراتژیک) سیستان در پیش گرفتند. استفاده از احساسات مذهبی مردم (شـیعه و سـنی) منطقـه، بـا پخش فتاوای علمای ساکن عتبات و عثمانی، از این روش‌ها بود (محبوب، ۱۳۸۲: ۶۶). در سیستان مانند دیگر مناطق ایران وجوب جهاد را اعلام کردند و این خود پی‌آمدهایی منفی برای امیر شوکت الملک علم حاکم سیستان داشت.

الـف. هیـل دربـاره فتـوای جهـادی کـه بـه نگرانـی شـوکت الملـک انجامیـد، چنین می‌نویسد:

> دیروز مُخبر من خبر داد و گفت: مجتهـد اینجـا فرمـان امضـا شـده‌ای را از طرف مراجع تقلید نجف دریافت کرده که طی آن تمـام مـردم ایـران را بـه جهت جهاد علیه روس‌ها و انگلیسی‌ها امر کرده‌اند. مجتهد فرمان را به امیـر نشان داده، ولی امیر گفته که موقت آن را مسکوت نگه دارد. من هـم گفـتم لابد این فرمان به تمام شهرها رفته و ناگزیر منتشر خواهد شـد (اف. هیـل، ۱۳۷۸: ۷۴).

مقام‌های محلی سیستان به پیروی از مرکز انتشار احکام جهاد را منع می‌کردند، اما به گزارش هیل، این احکام به هر صورت در سراسر منطقه پخش شده بود و بر اثـر نفـوذ فراوان علمای مذهبی شیعی در ایلات و عشایر کشور، جهاد بـا روسـیه و انگلـیس بـه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

موضوعی بسیار مهم بدل گشته بود و بیشتر ایلات و قبایل ایرانی مانند کردها، بلوچ‌ها، بختیاری‌ها و عشایر کرمان، دشتستان و تنگستان برای اجرای حکم جهاد ناشکیبا بودند.

پاسخ مثبت مردم و روحانیان سیستان به فتاوای علمای عتبات عالیات به اندازه‌ای گسترده بود که علما و روحانیان در روستاهای منطقه با برقراری جلساتی، این فتوا را برای مردم می‌خواندند و هراس انگلیسی‌ها موجب شده بود که مقام‌های محلی به گردآوری این احکام بپردازند و بر روحانیان فشار آورند. اسناد منتشر شده درباره سیستان به نام‌های روحانیان معروف منطقه همچون آقابزرگ حسینی در منطقه چلنگ سیستان و آقا میر سید علی، اشاره می‌کنند که با توجه به جمع شدن احکام به امر حاکم سیستان، «برخی از سوادها قلمی نموده و در نزد خود نگه داشتند و به هر صورت ممکن پیام مجتهدین را به اطلاع مردم رسانیدند» (محبوب، ۱۳۸۲: ۲۷۵). بنابر سند دیگری در این‌باره «از قرار راپرت واصله گویا آقا بزرگ در چلنگ مجلس فراهم نموده که نتیجه این قبیل مجالس بر خلاف نطق ملوکانه و اعلان بی‌طرفی دولت علیه ایران است» (همان، ۲۶۵). «اقل السادات، بزرگ حسینی (در سیستان) مردم را به جهاد و اغتشاش دعوت و قصد تقویت و جمع‌آوری دارد. مایه تعجب و تحیّر است که جهاد با که؟ و به جهت چه علت؟ و اصل را نمی‌دانیم». «مثل اینکه اعلاماتی در خصوص جهاد منتشر شده دستور داده شد فوری جمع‌آوری فرموده، نزد مخلص فرستادند. نگذاشتند دامنه باز کند و همین‌طور آقابزرگ را برحسب دستور العمل بنده تعقیب کردند (همان، ۳۶۲).

مقام‌های حکومتی با توجه به فرمان مرکز و فشار سفیر انگلیس، با شتاب به گردآوری احکام جهادی پرداختند و روحانیان منطقه را با ابزارهای تهدید، ارعاب و زندان، از تبلیغات ضد انگلیسی منع کردند، اما احساسات ضد انگلیسی در سیستان به اندازه‌ای گسترش یافت که انتشار شایعه‌ای درباره پذیرش احکام جهاد در افغانستان و آماده شدن نیرویی دوازده هزار نفری از هرات، قندهار و کابل برای حرکت به سوی خاک ایران و اخراج نیروهای روسیه و انگلیس از کشور و نصب بیرق اسلام در مشهد، نه تنها زمینه را برای شادی مردم فراهم کرد، بلکه بسیاری از افراد برای پیوستن به آن شکیبایی نداشتند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

بنابر سند دیگری، کنسول سیستان نامه‌ای به شوکت الملک عَلَم فرستاد (شانزدهم رمضان ۱۳۳۳) و مصرانه از حاکم سیستان و قائنات خواست که کارهای کسی را به نام شیخ جواد از بستگان نزدیک آقا ملا مهدی مجتهد، جلوگیری کند؛ زیرا از دید مقامات بریتانیا، وی به قصد دعوت مردم ایران به شورش در برابر انگلیسی‌ها، به آن منطقه رفته بود. او گفته بود اگر چنین نشود، حکومت بریتانیا ناگزیر خودش به کمک نیروهای درخواستی‌اش از هندوستان، به زودی به سیستان می‌رود و در برابر چنین افراد و حرکاتی خواهد ایستاد (همان، ۳۶۱).

گسترش احساسات ضد انگلیسی میان مردم سیستان و پاسخ مساعد علمای شیعه منطقه به دعوت علمای عتبات که به تأیید فتاوای علمای عثمانی صورت گرفته بود، بر این دلالت می‌کند که گرایش به مبارزه و جهاد با نیروهای بیگانه در ایران به حرکتی ملی و مذهبی بر کنار از توجه به مذهب و قومیت‌های خاص، بدل گردیده بود و به‌رغم اینکه مردم جای‌هایی همچون سیستان بر اثر اوضاع خاص منطقه‌شان نمی‌توانستند مسلحانه مبارزه کنند، به کمک ابزارها و امکانات موجود، بیزاری خود را با انگلیسی‌ها نشان دادند. برای نمونه، مردم سیستان بر اثر تبلیغات ضد انگلیسی روحانیان شیعه، از فروش آذوقه، غله و دیگر مواد به انگلیسی‌ها خودداری کردند و این کار به پیدایی مشکلاتی سترگ فراروی مأموران و مقام‌های بریتانیایی مستقر در منطقه و اعتراض رسمی کنسول انگلیس به حکومت سیستان انجامید. سفیر از شوکت الملک خواست که خودش به سیستان بیاید و با کشف علت دشمنی مردم با بریتانیایی‌ها، آنان را به فروش لوازم و مراوده مستقیم با سفیر بریتانیا و دیگر نمایندگان این کشور وادارَد (همان، ۴۲۵ـ۴۱۵).

او با فشار آوردن بر مردم سیستان و با ابزارهای گوناگونی چون تهدید و ارعاب و پرداخت رشوه به عوامل محلی، توانست تا اندازه‌ای مشکل تأمین آذوقه را حل کند، اما پشتیبانی مردم از افراد و گروه‌های ضد انگلیسی در قالب‌های دیگری چون کمک به آمد و شد گروه‌ها و افراد ضد بریتانیایی (جنگ‌جویان بلوچ و دیگر مبارزان و عوامل آلمانی و تُرک) از مرزهای افغانستان صورت می‌پذیرفت (Maulana Syed Mohammad Meya, ۱۹۹۱, p ۲۵۸).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

نتیجه

منطقه جنوب شرق ایران در دوره پیش از قاجارها، از دید سیاسی و تـاریخی بسـیار مهم بود و در عصر قاجار بر اثر اینکه فرانسه و روسـیه مرزهـای هندوسـتان را تهدیـد می‌کردند و آلمانی‌ها هم‌زمان با جنگ جهانی اول بر این تهدید افزودند، این سـرزمین‌ها اهمیت بیشتری یافتند. ناخرسندی ایرانیان از روسیه و انگلـیس و روی‌گردانـی آنـان از دولت قاجار و گرایش‌های مسلمانان هند و عثمانی به متحدین، به گرایش مردم ایران به دول‌های محور انجامید. گرایش‌های ضد انگلیسی اقوام بلوچ در جنوب شرق ایران نیـز از هم‌سایگی آنان با هند و فتـاوی علمـای آن سـامان و عثمـانی، تـأثیر پـذیرفت و بـه کارهایی در برابر انگلیسی‌ها انجامید. این کارها در ناحیـه سیسـتان وام‌دار حرکت‌هـای شیعیان ایران بود و به سائق فتاوای جهادی علمای شیعه این کشـور و عتبـات عالیـات، صورت می‌پذیرفت و مردم این ناحیـه در قالـب جلـوگیری از خـروج مـواد غـذایی از سیستان برای متفقین و نفروختن مواد غذایی، به چنین کارهایی دامن می‌زدنـد. بلوچ‌هـا وسیستانی‌ها در برابر دست‌اندازی‌های انگلیسی‌ها در منطقه خـود، ایسـتادگی کردنـد و حتی به عملیات نظامی ضد انگلیسی دست زدند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

کتاب‌نامه

ـ اف، هیل (۱۳۷۸)، *نامه هایی از قهستان*، ترجمه و تعلیق محمدحسن گنجی، مشهد، مرکز خراسان‌شناسی، آستان قدس رضوی.

ـ حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

ـ دایر، ریجینالد ادوارد هری (۱۳۷۸)، *مهاجمان سرحد، رویارویی نظامی انگلستان با سرداران بلوچ ایرانی*، ترجمه حمید احمدی، تهران، نشر نی.

ـ دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، *حیات یحیی*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی.

ـ زند مقدم، محمود (۱۳۷۱)، *حکایت بلوچ (کردها، انگلیسی‌ها) کتاب دوم*، تهران، چاپ کارون با هم‌کاری شرکت سیته.

ـ شیال، جمال‌الدین (۱۳۸۳)، *نهضت‌های اسلامی شبه قاره هند*، ترجمه غلام‌حسین جهان‌تیغ، زاهدان، مؤسسه هفت اقلیم شرق.

ـ صاحبی، محمدجواد (۱۳۷۰)، *اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات کیهان.

ـ صالحی، نصرالله (۱۳۸۰)، «جنگ جهانی اول و واکنش علمای ایرانی مقیم عراق» در *مجموعه مقالات سمینار ایران و جنگ جهانی اول*، به کوشش صفا اخوان، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

ـ صالحی، نصرالله و کاووسی، محمدحسن (۱۳۷۵)، *جهاد دیه؛ فتاوی جهادیه علما و مراجع در جنگ جهانی اول*، تهران، انتشارات دفتر سیاسی و بین‌المللی.

ـ عزیز احمد (۱۳۶۸)، *تاریخ تفکر اسلامی در هند*، ترجمه نقی لطفی، محمدجعفر یاحقی، تهران، انتشارات کیهان و شرکت انتشارات علمی و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

فرهنگی.
ـ کرد، نورالله (۱۳۸۶)، *چند شاخه ارغوان در کویر*، تهران، انتشارات پویان فرنگار.
ـ محبوب فریمانی، الاهه (۱۳۸۲)، *اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق ایران*، مشهد، سازمان کتاب‌خانه‌ها، موزه‌ها و اسناد آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
ـ مکی، حسین (۱۳۶۳)، *تاریخ بیست ساله ایران*، چاپ چهارم، تهران، نشر ناشر.
ـ منصورپوری، محمد سلمان (۱۳۶۷)، *رهبر بزرگ آسیا*، ترجمه خدابخش اسلام‌دوست، چابهار، حوزه علمیه چابهار.
ـ مورخ الدوله سپهر (۱۳۳۶)، *ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸ـ۱۹۱٤ م)*، بی‌جا.
ـ نظام مافی، رضاقلی (۱۳۶۲)، *کتاب سبز*، مجموعه اسناد و متون تاریخی، تهران، نشر تاریخ.
ـ هاردی، پی (۱۳۶۹)، *مسلمانان هند بریتانیا*، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد، بنیاد لاهوتی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی.
ـ هوشنگ مهدوی، عبد الرضا (۱۳۸۴)، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
ـ Amal vinograd‌or (1972), "the 1920 Revolt in Irag Reconside red: the Role of tribs in National politics", ijmes, published by cambridqe University press Article Stable URL
ـ Asghat.s.b (2007), *A famous unrising* fron www.lawan.org, Retoriered on ۲۰۰۷/۱۰/۰۳.
ـ Aziz ahmad (1995), *studies in Islamic culture in the indian environment*, london.
ـ Bayliss.g.m (1987), *operation in Persian (1914 -1918)*, londan: imperial war museum.
ـ George antonious (1965), *the awakening:the story of the arab national movment*, publishe December 1965 by simon publications (first publihed

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]

۱۹۳۸)

- H.L.nevill (1912), *campaigns on the north – west frontier*, london, john murry.
- Imperial gazetteer of india (1909), *hydra abad stute; caltutta:government printing*, No publisher
- Jaspal sing (2007), *history of the ghadar movment*, janiab.org.uk retrieved on 2007/10/1.
- Kohn hans (1929), *A history of nationalism in the east*,translated by Margaret M.green, No publisher
- Me tcalf ,Thomas.R.(1965), *the After marth of revole india(1857-1870)*, princetion, *London and Princeton: Princeton University Press,*
- Maulana syed mohammad meya sahib(1991), *tahrek-e-sheikh-al-hind*, lahor:roomy printers, pakstan
- Sykes,sirpercy (1921), *georgrafhical journal,vol:58 londan:on behalf of the royal Georaphical society*, londan. black well pblishing.
- t.e.l awrence (1997), *the seven pillars wisdom an account of Lawrences part in the arab Revolt, published by Word worth Editions Limitited 8b East ,Street,ware.Hertfdshire*
- valenile chirol (1906), *pan-islamic*, londan:general, asian society.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.14.5.1]